

مراحل صدور فعل اختیاری از نظر دانشمندان مسلمان

محمد فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه

اعمال و افعال انسان بر دو گونه است: الف: انجام دادن بعضی از کارهای ارادی، نیازی به واسطه، آلت و ابزار ندارد. به مجردی که اراده، تحقق پیدا کرد و به مرحله شوق مؤکد رسید، آن عمل ارادی، تحقق پیدا می کند مانند «تحریک الید» که با اراده و شوق مؤکد، جامه عمل می پوشد. و شما دست خود را حرکت می دهید. ب: برای انجام دادن بعضی از افعال و اعمال ارادی، نیاز به وسیله و ابزار هست. نعوذ بالله چنانچه کسی بخواهد مرتکب قتل نفس شود، به مجرد اراده و شوق مؤکد نسبت به آن عمل، قتل، محقق نمی شود و «اراده القتل» مانند «تحریک الید» نیست بلکه باید آلت قتاله ای مانند شمشیر وجود داشته باشد و اراده قاتل هم نسبت به قتل به مرحله شوق مؤکد برسد «۱» تا قتل، محقق شود بنابراین بعضی از اعمال اختیاری انسان بدون واسطه، امکان ندارد، تحقق پیدا کند.

صدرالدین شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه

الإنسان إذا قصد إلى إحداث فعل أو حركة منه فلا بد له من علم و هو تصور ذلك الفعل و التصديق بفائدته ثم لا بد له من إرادة و عزم له ثم لا بد له من شوق إليه ثم لا بد له من ميل في أعضائه إلى تحصيله فبالحقيقه هذه الأمور الأربعه أعني العلم و الإراده و الشوق و الميل معنی واحد يوجد في عوالم أربعه يظهر في كل موطن بصورة خاصه تناسب ذلك الموطن (ترجمه: انسان وقتی قصد انجام فعل یا حرکتی را دارد، ناگزیر باید به آن علم داشته باشد و علم همان تصویری آن فعل و تصدیق به فایده داری آن است. سپس ناگزیر از اراده و عزم است و پس از آن ناگزیر از شوق به آن فعل است. بعد هم ناچار باید میل در اعضا پیدا شود به سمت تحصيل آن فایده. پس در حقیقت این چهار چیز؛ علم، اراده، شوق و میل، معنای یکسانی دارند که در چهار عالم مختلف موجود می شوند. در هر عالم نیز به صورت خاصی که متناسب با همان عالم باشد پدید می آیند)

ملاصدرا این مراحل را به این صورت مطرح می کند: ۱. ادراک فعل؛ ۲. تصدیق به ملایمت یا منافرت فعل با نفس؛ ۳. شوق؛ ۴. اجماع یا اراده؛ ۵. قوه محرکه؛ ۶. تحقق فعل در خارج (ج ۴، ص ۱۱۴)

میرزا جواد تبریزی، دروس فی مسائل علم الأصول

أنّ فعل العبد ما لم يكن بالغاً حدّ الوجوب لم يتحقّق خارجاً، بدعوى أنّ هذا لازم إمكان الشيء بلا فرق بين الأفعال و غيرها، و لذلك التزموا بأنّ الإراده بالمعنى الذى فسّروها به من الشوق المؤكّد علّه للفعل، و ذلك الشوق أيضاً يوجد بمبادئه المترتبه على حسن الذات و سعادتها أو خبثها و شقاوتها، و السعاده و الشقاوه من لوازم الذات لا تحتاج إلى علّه؛ لأنّها توجد بالعلّه الموجد له نفس الذات - فممّا لا يمكن المساعدة عليه

محمدحسین اصفهانی کمپانی، بحوث فی الأصول

الشخص إذا تصور الفعل و صدق بما فيه من الفائده يشتاقه قهراً، فإذا كان المشتاق إليه من أفعال نفسه و بلغ شوقه إليه حدّ النصاب، حدث هيجان في طبيعته فيحرك عضلاته نحوه فيوجد

محمدصادق روحانی، زبده الأصول

الشوق ليس عله للفعل الاختيارى الثانيه: ان الموجب لصدور الفعل الاختيارى هو أعمال هذه الحقيقه قدرتها فى

العمل لا الشوق، إذ نرى بالوجدان أنه بعد تحقق الشوق الاكيد المتعلق بالهدف و بنفس الفعل، يمكن لتلك الحقيقه المشار إليها أن تمنع عن الفعل و تمنع عن تحقيقه و توجب أن لا يوجد. قال ارسطو: ان ما هو سبب صدور الفعل هو ذلك لا الشوق المشترك بين الإنسان و سائر الحيوانات. و أيضا ربما يعارض ذلك مع الشوق و الرغبة و لا يعقل المبارزه الا مع التعدد. و أيضا ان الشوق يتعلق بالمجال و الممتنع و لا يعقل تعلق الاختيار به. نعم، لا ننكر أن العوامل الخارجيه و الداخليه ربما تبلغ من الشده إلى حد تغفل الحقيقه الإنيه عن نفسها، مثلا: لو استمعت صوتا حسنا و غفلت عن نفسها، و في مثل ذلك لا محاله يصدر الفعل لكنه فعل غير اختياري و خارج عن تحت القدره. و بالجملة: لا ريب في أن مجرد الشوق لا يوجب تحرك العضلات لما يرى بالوجدان أنه ربما يشترك الإنسان إلى شيء و لا يتحقق المشتاق إليه الا بعد أعمال القدره و حملة النفس.

محمدجواد ذهني تهراني، تحرير الفصول في شرح كفايه الأصول

تصوير صدور كفر و عصيان در بنده باين نحو می باشد: ابتداء وی معصیت کذائی یا عقیده کفرآمیز فلانی به قلبش خطوط می کند و با اینکه می تواند آن را تعقیب نکرده و در اطرافش بیشتر از این نیندیشد و انس زائد بر این با آن پیدا نکند مع ذلك آن را تعقیب کرده و احيانا منافع و مصالح احتمالی یا موهومی برآن مترتب کرده سپس با اینکه باز می تواند به همین جا آن را خاتمه داده و پی گیری نکند به تعقیبش ادامه داده تا در نتیجه نسبت بفعل و انجام آن در نفسش شوقی پیدا شده و هر لحظه به واسطه مأنوس بودن با این افکار و تصورات بر شوقش می افزاید تا کار به جائی می رسد که شوق مزبور تأکید و تقویت شده به ناچار بر فعل آن عزم و اراده می کند پس در تمام این مراحل اختیار از وی سلب نشده و خود با سوء اختیار هر مرحله ای را پس از مرحله دیگر طی می نماید از این رو صحیح است بگوئیم عصیان و کفر حاصل در خارج ناشی از مقدماتی است که فاعل خود بسوء اختیار آنها را برگزید.

محمود حسینی شاهرودی، نتائج الأفكار في الأصول

أن حقيقة الطلب على ما أفاده في الكفايه «١» هي عين الإرادة كما أن الطلب الإنشائي متحد مع الإرادة الإنشائية، فالحقيقي من الطلب و الإرادة متحد كاتحادهما إنشاء، إذ ليس في صقع النفس إلّا الإرادة و مبادئها، و ليس بين الإرادة و الفعل شيء آخر يسمى بالطلب، و على هذا المسلك تكون النفس مقهورة في الفعل فيلزم الجبر. و لكن الميرزا النائيني رحمه الله أثبت عدم مقهورية النفس و إن لها الاختيار بعد تحقق الإرادة و مبادئها، و أن العضلات تكون تحت سلطنه النفس و عامله باختيارها، و لا تصير النفس مقهورة بالإرادة و مبادئها، ففي النفس مضافا إلى الإرادة و مبادئها اختيار النفس للمراد، و إذا ثبت هذا الأمر الذي إدّعه الميرزا النائيني رحمه الله يكون ذلك مجديا في مسأله الجبر و التفويض.

ميرزا جواد تبریزی، دروس في مسائل علم الأصول

لا يخفى أنّ الشوق المؤكّد منّا لا يطلق عليه الإرادة، فإنّ الإرادة تطلق على أحد أمرين: أحدهما: القصد إلى الفعل و العزم و البناء على العمل. ثانيهما: بمعنى الاختيار، و هو صرف القدره في أحد طرفي الشيء من الفعل أو إبقائه على عدمه، و الشوق المؤكّد غير هذين الأمرين، و الشاهد على عدم كون الشوق المؤكّد علّه لصدور الفعل منّا فضلا عن كونه علّه تامّه هو صدور بعض الأفعال عن الإنسان باختياره بلا اشتياق منه إلى الفعل المفروض، فضلا عن كونه مؤكّدا

محمدحسين طباطبائي، بدایه الحکمه

علامه طباطبائي این مراحل را به صورت مبادی چهارگانه زیر تحلیل می کند: قوه عامله؛ که مبدأ نزدیک و مباشر با حرکتی است که موجب صدور افعال می شود. قوه عامله که در عضلات قرار دارد اعضای انسان را برای انجام فعل به حرکت در می آورد؛ شوق؛ که قبل از قوه عامله است؛ صورت علمی؛ که از طرق مختلف حاصل می شود و فاعل را به سوی غایتی که دارد سوق می دهد. اراده؛ که محرک قوه عامله است.

محمدحسین طباطبائی، نه‌ایه الحکمه

«فمبادی الفعل فینا هی العلم و الشوق و الاراده و القوه العامله المحرکه»

مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم

مطهری مراحل فعل اختیاری را به صورت زیر مطرح می‌کند: ۱. تصور فعل ۲. تصدیق اثر فعل ۳. هیجان شوقی ۴. سنجش و مقایسه ۵. عزم و اراده

محمدتقی جعفری، جبر و اختیار

از نظر جعفری مراحل کار اختیاری به صورت زیر است: ۱. توجه به هدف و خواستن آن ۲. توجه به کار و امکان ایجاد کردن آن ۳. موازنه میان مصالح و مفسد کار ۴. میل و رغبت به کار ۵. اراده کار ۶. تصمیم به کار ۷. اختیار

عبدالله جوادی آملی، رهیق مختوم

مراحل فعل اختیاری: ۱. علم و فکر: تصورات و ادراکات خیالی، وهمی، عقلی ۲. شوق ۳. اراده: اجماع و شوق مؤکد ۴. قوه محرکه

محمدحسن نائینی، اجودالتقریرات

میان مرحله اراده و تحریک عضلات برای تحقق فعل، مرحله‌ای به نام طلب یا سلطنت قرار دارد. □

